

## سازهای مهجور

- ۵ -

نوشته حسینعلی ملاح



### تمبک یا ضرب

تمبک که امروزه بدان ضرب میگویند - سازی نیست که نواختنش ترك شده باشد و بهمین سبب تعریف آن تحت عنوان سازهای مهجور اندکی نابجا بنظر میرسد.

ولی از آنجا که بسیاری خواستار دانستن سابقه تاریخی این ساز هستند (که کمتر به این قسمت توجه شده است) در این مقام و تحت همین عنوان به بحث درباره آن پرداخته ام.

تمبک Tombak که امروزه به آن ضرب میگویند از خانواده آلات موسیقی ضربی است، و بنا به اصطلاح موسیقی قدیم ایران، جزء آلات ایقاعی محسوب میگردد - این لفظ بصورت‌های مختلف در فرهنگ‌ها آمده و در زبان محاوره هم به انحاء مختلف ادا میگردد.

برهان قاطع، آن را بصورت تبك Tobnak ثبت کرده، و نوشته است:

» بضم اول وفتح نالك بروزن جفتك، آوازی را نیز گویند بلند و تند، مانند صدای ناقوس، و بمعنی دف و دهل هم آمده است .

درحاشیه همین فرهنگ آقای دکتر محمد معین آن را تنبک Tonbak نوشته‌اند. آنندراج نوشته است : « بمعنی دف و دهل و تبناک Tobnok بضم تا و نون نیز آمده که بازیگران نوازند .

عمید لومکی گوید : آواز کوس باز نداند کس از تبناک Tobnok .

سوزنی گفته : من کوس خسروانم و ایشان دف و تبناک Tobnok . فرهنگ جهانگیری نوشته : « دف را گویند » همین فرهنگ بیت ذیل را از سوزنی نقل کرده است .

در حد قریشانم ، لیکن بگام هزل

من کوس خسروانم و ایشان دف و تبناک

خواجه عمید سروده است :

دوری که از تودرسر، مستی فزون شود

آواز کوس بار نداند ، کس از تبناک

همچنین از سوزنی است :

با بند گانت کوس خدائی همی زند

آگاه نی ، که کوس خدائیسست یا تبناک »

لفظ تبناک Tonbak یا تبناک Tobnok بوجه دیگری یعنی با املاء

واعرابی جداگانه هم متداول و معمول بوده و هست و آن تنبک Tonbak می باشد .

برهان قاطع نوشته : « بضم اول بروزن اردک ، دهلی باشد دم دراز

که از چوب و سفال سازند و بازیگران در زیر بغل گرفته بنوازند . »

درحاشیه همین فرهنگ نوشته شده : « مصحف تبناک Tobnok یا تنبک

Tonbak است . »

برهان ، لفظ تمبک را بصورت‌های تبناک - تبناک Tobnok - تنبک

Tonbak و تنبیک Tonbik ثبت کرده و در ذیل لفظ اخیر مرقوم داشته :

» بضم اول و سکون ثانی و کاف، بمعنی تنبک است و آن دهلی باشد دم دراز

که مسخرگان و بازیگران در زیر بغل گیرند و نوازند .  
فرهنگ آندراج نیز بصورت تنبک Tanbak نوشته و آن را چنین  
توصیف کرده است :

«تنبک بر وزن چفتک، فارسی است، درجه‌انگیزی نوشته: دهلکی باشد که  
بازیگران در هنگام بازی ورقص نوازند و در محاوره، سازی است که یکطرفش  
بخام کشند و یکطرف بسته باشد و آنچه از دوسو بخام کشند دهل است .  
میرنجات سروده :

نوبت تخته شلنگ است حریفان دستی

تنبک را مایه تلنگ است حریفان دستی»

لازم است توضیح بدهم که بخام (به کسراول) پوست دباغی نشده است  
و تلنگ نیز انگشت بردف و دایره و تنبک زدن میباشد که تلنگر هم میگویند.  
مؤلف فرهنگ آندراج به یکنوع تنبک اشاره کرده و آن را تنبک  
تعلیم نام نهاده است و نوشته :

«تنبک تعلیم که در وقت ورزش و تعلیم کردن کشتی بشاگردان ،  
نوازند .»

میرنجات سروده است :

در چمن تنبک تعلیم غمت غنچه گل

زنده به اغانی ، طنبور نواز د بلبل

لفظ دیگری که بهمان معنای تنبک است خمبک یا خنبک میباشد .  
آندراج نوشته : «خنبک بضم اول بر وزن اردک ، ف ، تبدیل نون به میم  
است چنانکه در خنب مذکور شد و آن بمعنی دف کوچک که چنبرش روئین  
باشد و دست بر پوست او زنند و صدای بر آید.»

شیخ نظامی گفته :

در آمد بشورش دم گاو دم      بخنبک زدن طاس روئینه خم

در این ایام به تنبک و دنبک مشهور شده و تبدیل خاء و دال و تا در پارسی  
متداول است و خنبک زدن انگشتان را برهم زدن نیز گویند و در هر حال  
خنبک زدن بمعنی دست زدن و اظهار فرح و سرور و سرمستی است .

مولوی در مثنوی گفته :

گویم ش رو گر چه بر جوشیده‌ای

همچو چنان پیدائی و پوشیده‌ای

گوید او محبوس خنب است این تم

چون می اندر بزم ، خنبك میزنم »

در مورد وجه تسمیه تمبک Tombak یا تنبک و ترکیب نام آن، دو نظر

میتوان ابراز کرد، یکی آنکه ، لفظ تمبک یا تنبک یا دمبک Dombak را

مبدل خنبک یا خمبک بدانیم، در این صورت توجیهی که مؤلف فرهنگ اندراج

کرده است یعنی تبدیل خاء و دال و تا در فارسی متداول است تأیید می‌گردد.

از سوی دیگر، لفظ خمک یا خنبک که به معنای خم کوچک میباشد به دو

وجه میتواند ریشه لغوی تنبک قرار گیرد، وجه اول، شباهت لفظی و چگونگی

تبدیل خاء به دال یا تا میباشد .

وجه دوم ، شکل ظاهر تمبک یا دمبک است که همانند خمره کوچکی

است ، بنابراین میتوان پذیرفت که نام اصلی دمبک یا تنبک همان خمبک یا

خنبک بوده است .

مولوی فرماید :

ای خواجه سرمستك شدی، بر عاشقان خنبك زدن

مست خیداوندی خود ، کشتی گرفتنی بسا خدا

همچنین از مولانا است : مطالعات فرانسوی

شاه از اسرارشان واقف شده هم انسانی همچو بوبکر ربابی تن زده

در تماشای دل بد گوهران میزدی خنبك بر آن کوزه گران

ایضاً از مولوی است :

چون ملایك مانع آن میشدند بر ملایك خفیه خنبك میزدند

این لفظ بصورت خمچك هم دیده شده که بنا به گفته مؤلف اندراج

همان خمك یا خنبك است .

نزاری قهستانی سروده :

بس کند زهره سازها در کار از پی جشن این مبارك سور

دفوچنگ و رباب و زنبوره خمچک و نای و بربط و تنبور  
(لازم است اشاره کنم که در بعضی نسخه‌ها بیت آخر این قطعه بوجه  
ذیل نوشته شده :

دفوچنگ و رباب و زنبوره غچک و نای و بربط و طنبور)  
و اما نظر دیگر اینستکه این کلمه تمبک Tombak از دو لفظ تم  
Tom و بك bak ترکیب گشته ، و چون صدائی که از این ساز استخراج  
میگردد همین دو لفظ متبادر به ذهن میکند ، محتمل است که نام آن را از  
صدایش استخراج کرده باشند در نزحۃ العاشق الحیران آمده است که در قدیم  
برای آلات ایقاعی مانند تنبک و غیره علاماتی در نظر گرفته بودند « م »  
علامت « تم Tom » بر وزن « گم » و « ت » علامت « تک Tak » و « ه » علامت  
سکوت به اندازه کشش يك « تم Tom » یا بقدر يك « تک » بوده است .  
« ه » اگر بعد از « تم » یا پس از « تک » باشد علامت سکوت بقدر نصف  
ماقبل خویش است .

به اعتبار این نوشته می باید قبول کرد که این لفظ « تم تک Tomtak  
یا تمبک Tembak » است و وجه اشتقاقش نیز صدائی است که از آن استخراج  
میگردد ، زیرا وقتی بادست راست ضربه ای بمیان پوست زده شود صدای « تم  
Tom » استماع میشود و چون با انگشتان دست چپ تلنگر به لبه پوست بزنند  
صدای تک Tak یا بك bak شنیده میگردد .  
در مورد سابقه تاریخی این ساز مدارک بسیار موجود است ، در رساله  
پهلوی خسرو و غلامش راجع به سازهای متداول در دوره ساسانی نوشته  
شده : « از جمله عود هندی موسوم به ون و عود متداول موسوم به دار و  
بربط و چنگ و تنبور و سنطور موسوم به کنار و نای و قره نی موسوم به مار  
و طبل کوچکی موسوم به دمبک بوده است . »

آقای دکتر مهدی فروغ نوشته اند : « در دوره ساسانی سازهای ضربی  
دیگر از قبیل دمبک ( بزبان پهلوی ) و دنبک ( بزبان فارسی ) نیز معمول بوده  
است و عیناً شبیه دمبک امروزی ما بوده است نام این ساز بصورت های مختلف  
از جمله دمبل - دمبال و تنبک و دنبک و تبیک و تنبک ضبط شده است . »

ساكس آلمانی در فرهنگ كامل آلات موسیقى آن را دینبك Dinbak نوشته و به کردی دایره دانسته است و مینویسد: «فارسی آن دمبك Dombak است و در سانسکریت Dindima گویند و آن یکنوع دمبك چوبی است که هم اکنون در بنگال متداول است و آن را خنجری یا خنجی گویند - دمبکی که ایرانیان مینوازند استوانه ایست که یکسوی آن را با پوست آهومی پوشانند، ۲۷ الی ۴۷ سانتیمتر ارتفاع و ۳۱ تا ۲۵ سانتیمتر پهناى آن است جنس آن از چوب یا گل بخته است و آن را در بغل میگیرند و مینوازند.»

ساكس، ذیل لفظ دنبلك Donbalak نوشته: «دنبلك، ترکی همان دمبك است، در موزه نیویورک تحت همین نام و به شماره ۱۵۳۸، يك طبل به ارتفاع ۱۵ سانتیمتر به معرض نمایش نهاده شده که دارای دو کاسه همجواری است که يك پوست بر آن کشیده اند.»

سازی که ساكس بنام دنبلك معرفی کرده هیچ شباهتی به دنبلك ایرانی ندارد ساختمان این ساز را دو کوس یا دو طاس یا دو کاسه که در جوار هم قرار گرفته اند تشکیل میدهد - تفاوت این ساز با نقاره اینست که پوست يك پارچه ای دهانه هر دو کاسه را پوشانیده است.



دنبلك ( شكل از فرهنگ كامل آلات موسیقى ساكس آلمانی )

فردريك روزن F. Rosen ( در كتاب ایران با عكس و تفصیل )

مینویسد :

۱- Friedrich Rosen . Persien in wort und bild

این کتاب را عموماً تحت عنوان «ایران در کلمه و عكس» یا «ایران در لفظ و نقش» معرفی کرده اند که می پندارم درست نباشد.

« همیشه با سه تارشان يك اسباب که از نظر صنعتی خیلی مهم است همراه میباشد و این همان «تنبک» است ، و وزنهائی که با این آلت نواخته میشود بسیار متنوع و مختلف است و يك اروپائی باید خیلی دقت کند تا آن را درك نماید ، و تقلید آن هم کار مشکلی است .»

در بساطه چگونگی نوازندگی تمبک ، « ژول روانه<sup>۱</sup> » مینویسد :  
« ... یک ضربه های پوشیده و کری هست که به آنها « دم Daum یا توم Taum » گویند ... ضربه های روشن تر و صاف تر و واضح تری نیز هست که به آنها « تک Tek » یا « تک Tak » میگویند ... اگر آواز با دف همراه باشد « توم » را بوسط پوست دایره و « تک » را به کنار دایره میزنند. آنگاه که دایره ای یادفی یا تمبکی در کار نباشد ، صدای « تک » را با کف دست که روی زانو میکوبند درمی آورند و صدای توم را با انگشتان بسته که به روی زانو میزنند استخراج میکنند - بعضی اجرا کنندگان ، صدای « توم » را با دست راست و صدای « تک » را با دست چپ در می آورند ، هنگامی که دست بسته است صدای « توم » و وقتی دست باز است صدای « تک » استخراج میگردد ...»

همچنانکه اشاره کردم نام این ساز بوجوه مختلف ثبت شده از قبیل:  
تنبک - تنبک - تنبک Tobnok - دمبک - تمبک - خنبک - خمبک -  
خمک - دمبال - دمل - دمبلیک - دنبلک و دمبلیک مقرن .  
بطور کلی باید گفت که وجه اشتقاق این ساز یا از صدایش مستخرج گشته که در این صورت تمبک یا دمبک و یا کلماتی نظیر آنها اصح است و یا از شکلش مأخوذ گشته که در این صورت خمک یا خنبک معتبر میباشد .

و اما وجهی که در این مقال فقط بدان اشاره شد ولی توضیحی همراه نداشت کلمه دمل Domal یا دمبال است - آقای دکتر مهدی فروغ نوشته اند:  
« دمل هم که در برهان قاطع آمده همین دمبک است .» البته لازم است بگویم که نگارنده در فرهنگ برهان قاطع به چنین لفظی برخورد نمود اما اشاره ای

۱ - Jules Rouanet در کتاب « موسیقی عرب Mnsique Arabe »

که ساکس آلمانی به دنبال و دمبلباز کرده میتواند تا حدودی مؤید نظر ایشان باشد .

ساکس در مورد دنبال مینویسد « سازی است ایرانی و آن دمبک یا طبل استوانه شکلی است که بنا بر روایتی مصدر آن هند است - بر دوسوی این استوانه پوست کشیده و با دودست مینوازند هر پوست صدای خاصی دارد . » همچنین ساکس در ذیل لفظ دمبلباز نوشته است : « دمبلباز سازی است کروی و آن نوعی طبل ( یا دمبک ) است . »

نوع دیگر با لفظ دیگر که ضرورت دارد توضیح مختصری همراه داشته باشد دمبک و دومبک مقرر است .

در باره دمبک یا دنبک قبلا مطالبی نوشتم . این ساز انواع مختلف دارد که یکی از آنها دمبک ابوبی است . اولیاء چلبی درباره این ساز سخن گفته ولی چگونگی ساختمان آن را توضیح نداده است .

نوع دوم دمبک مقرر است ، این ساز از دو کوس یا دو طاس که جوار یکدیگر نهاده شده اند تشکیل میگردد ، معروف است که این نوع دمبک در نجد و حجاز رواج بسیار داشته است .

ولی علی الاصول سازی که مورد نظر ماست تمبکی است با هیئت و شکل و مشخصاتی که بر همه آشکار است - این ساز از یک استوانه تشکیل میشود که یک سوی آن را پوست پوشانیده اند و سوی دیگرش باز است - قسمتی از بدنه استوانه را باریکتر کرده اند تا در بغل نوازنده بنشینند ، جنس این استوانه ممکن است از چوب یا چلبی یا گل پخته باشد - فرم و شکل آنهم در نواحی مختلف ایران تفاوت میکند ، ولی در هر حال و در هر جا طرز گرفتن و استخراج صدا و تکنیک نوازندگی آن یکسان است .

چوبهایی که در ساختن تمبک بکار میرود عبارتند از : چوب گردو ، چوب درخت توت ، چوب سیاه ، چوب جنگلی ، چوب درخت افرا .

چنین متداول است که چوب را یکسال الی یکسال و نیم در سایه آفتاب نگاهداری میکنند و سپس از قسمت قطور آن برای این منظور استفاده مینمایند - دلیل اینکه از قسمت ضخیم چوب استفاده میکنند اینست که بدنه



ضرب یا تمبک یک پارچه از کار درآید -

جنس پوستی که روی دوره ضرب میکشند ، متفاوت است ، معمولا پوست بز یا پوست میش ، یا پوست بره و یا پوست ماهی بکار میبرند . نکته مهم اینست که پوست می باید کهنه باشد .

نام هائی که به قسمتهای مختلف تمبک یا ضرب داده اند بنا به قول حسین تهرانی<sup>۱</sup> چنین است .

۱ - دوره

۲ - تنه

۳ - نفیر

۴ - کالیبر Calibre

۱ - « دوره » دهانه گشاد یا فراخ دمبک را گویند و این آن قسمتی است که پوست روی آن کشیده میشود .

۲ - تنه در حقیقت کاسه طنین ضرب یا تمبک را تشکیل میدهد و آن قسمتی است که استوانه پر حجم تر از سایر قسمتها است .

۳ - « نفیر » همچنانکه از نامش مستفاد میگردد بخشی است که صدا باید از آن خارج شود و ضمناً همان فرو رفتگی است که در بغل نوازنده می نشیند .

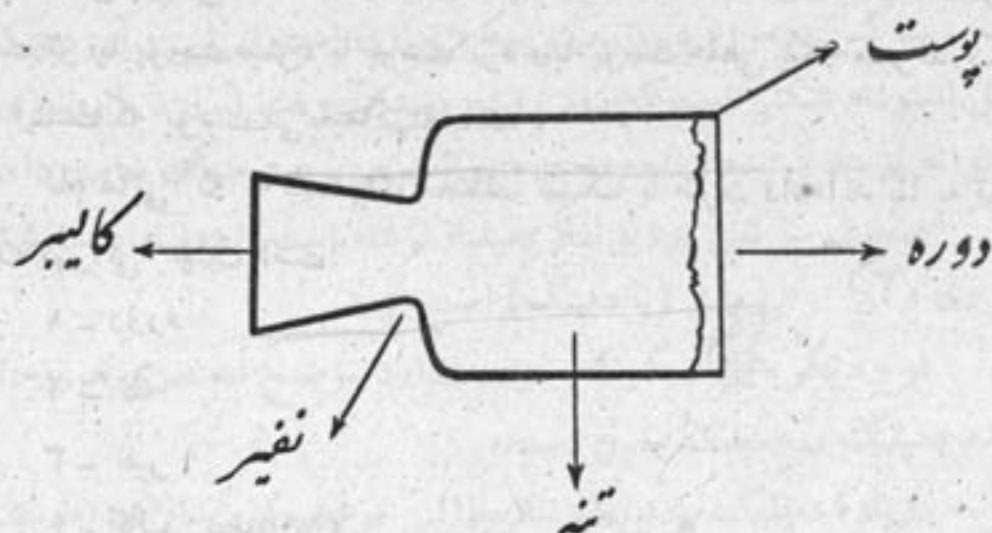
۴ - کالیبر در زبان فرانسه به قطر یا دوره یا دهانه گویند در اینجا گویا محض اینکه با دوره ایکه پوست بر آن میکشند مشتبه نگردد این لفظ اختیار گشته است - در هر حال قسمتی است که به دنبال نفیر می آید و بشکل دهانه باز شیپور ساخته شده است و صدا از آن خارج میگردد .

اندازه های هر یک از این قسمتها متناسب با بزرگی و کوچکی تمبک یا ضرب تغییر میکند ، ولی بطور متوسط مقیاس کلی بوجه ذیل می توان بدست داد :

قطر دوره ۲۴ سانتیمتر - طول تنه ۲۱ سانتیمتر - طول نفیر تا لبه

۱ - آقای حسین تهرانی یکی از نوازندگان مشهور ضرب است که در صفحات بعد از ایشان یاد خواهم کرد .

کالیبر ۱۹ سانتیمتر - قطر دهانه کالیبر ۲۱ سانتیمتر - قطر داخلی نفیر ۱۰ سانتیمتر .



نامگذاری قسمت‌های مختلف تنبک

اکنون اقتضا دارد راجع به چگونگی پیشرفت تکنیک این ساز نظر دوتن از استادان موسیقی را نقل کنم . آقای خالقی در سرگذشت موسیقی ایران (ج اول ص ۳۹۹) مینویسند :

«... ولی نگارنده تصور میکند که آهنگ ضربی و تصنیف خواندن هم مثل آواز خوانی تخصص و مهارت می‌خواهد و از همه مهمتر باید تصنیف - خوان قوه تشخیص ضرب داشته باشد که در موقع خواندن، وزن را از دست ندهد و به اصطلاح معروف از ضرب خارج نشود، بهمین جهت خوانندگان که استعداد این کار را داشته‌اند اول به نواختن «تنبک» آشنا شده‌اند که در موسیقی پایه وزن است و آهنگهای ضربی را با کمک این آلت موسیقی تمرین کرده‌اند تا بتدریج به وزنهاى مختلف آشنا شده و از عهد خواندن نغمه‌های وزن دار ضمن نواختن تنبک برآمده‌اند...»

«معلوم شد که اولین وظیفه تصنیف خوان تشخیص دادن ضرب و نواختن «تنبک» است . اما هر کس ضرب را بدامان گذارد و دستی روی آن کشید ضرب گیر نیست ، چنانکه هنوز هم برخی آن را جزو آلات موسیقی بشمار نمی‌آورند و وقتی نام «تنبک» بمیان می‌آید نه برای خود آلت و نه برای

نوازنده آن قدر و ارزشی قائل نیستند. حتی بعضی<sup>۱</sup> نواختن آن را سبک می‌شمارند و چیزی را که در بغل لوطیان سرگذر و مطربان بی‌هنر دیده‌اند شایسته مقام هنری نمی‌دانند.

سپس آقای خالقی اشاره به توجهی که خارجی‌ان نسبت به این ساز کرده‌اند میکند و نوشته فردریک روزن آلمانی را (که نگارنده در صفحات قبل نگاشته است) تذکار مینماید و آنگاه اظهار نظر آهنگساز نامدار شوروی «لئون کنیپر»<sup>۲</sup> را چنین نقل مینماید: «... بعد گفت دراز کستر شما یکنوع آلت ضربی هست که نوازنده آن توجه مرا بسیار جلب کرد - و میل نمود آنرا به تنهایی بشنود.

روز دیگر، حسین تهرانی حضور یافت و وزنه‌های مختلف را به تنهایی نواخت که آهنگساز معروف شوروی، سراپا گوش بود، سپس گفت شما بی‌جهت نام این آلت را «ضرب» گذارده‌اید - من آن را «ساز» میدانم، چه در عین سادگی کاملترین آلت ضربی است که تاکنون ساخته شده است - میدانید چرا نام آن را ساز گذاردم؟ علتش اینست که سایر آلات ضربی را باچوب مینوازند و این یکی باد و دست و انگشتان نواخته میشود، بهمین جهت احساسات نوازنده بوسیله سرانگشت و کف دست در آهنگ آن تأثیر میکند -

ضمناً گفت: من در مقام خود، هنر حسین تهرانی را با مقام هنری بزرگترین استادان شما برابر میدانم...<sup>۳</sup> گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سپس آقای خالقی درباره سلیقه تمبک زدن صحبت میکنند و آنگاه به بی‌قدری و بی‌اعتباری این ساز در جامعه اشاره کرده مینویسند:

۱ - اکثر فرهنگ نویسان این ساز را ویژه بازیگران و مسخرگان و دلقکان دانسته‌اند کما اینکه مؤلف آندراج نوشته «که بازیگران نوازند» مؤلف برهان قاطع نوشته «که مسخرگان و بازیگران در زیر بغل گیرند و نوازند» جها‌نگیری نیز نوشته است: «دهلکی باشد که بازیگران در هنگام بازی رقص نوازند...» یقیناً اشاره آقای خالقی به این قسمت هاست.

۲ - Léon Knipper دوبار به ایران مسافرت کرده است یکبار در سال ۱۳۲۱ و یکبار دیگر در اردیبهشت سال ۱۳۲۳.

« ولی وقتی ما میگوئیم «دنبک زن» مثل اینستکه ناسزا گفته ایم و غافلیم که تمبک، چه اثرشگرف و چه اهمیت شایانی درار کسترهای معمولی ما که فاقد هم آهنگی است داشته است، زیرا تنها آن بود که قرنهای جای اصوات فرعی را حفظ کرده و بنغمات ما جان بخشیده است، وقتی یک نوازنده آهنگی ضربی مینوازد اگر هم آهنگی درکار نباشد، همانا همراهی تمبک است که وی را بر سرشوق می آورد و درک و وزن را برای شنونده واضح تر و خوبتر میسازد و نغمه ساز را خوش آهنگ و باطنین جلوه گر میکند. در اینجا نیز ذوق و سلیقه ضرب گیر دخالت تام دارد، بعضی نوازگان ضرب، غافلند که ساز را پشتیبانی میکنند، و خودنمایی بی مورد آنها نغمه ساز را خراب میکند، چنانکه برخی از صفحه های قدیم را که می شنویم بسیار ناراحت میشویم، زیرا میخواستیم آهنگ ساز را گوش دهیم و صدای ضرب مخصوصاً تلنگرهای زیادی که ضرب گیر به لبه تمبک زده است یا مواردی که خواسته است نغمه را بی کم و کاست تقلید کند؛ بسیار زننده است و تعجب میکنیم چرا نوازندگان این روش را ملامت نکرده و ضرب گیر را به وظیفه خود آشنا نساخته اند که مقصود شنونده درک نغمه، و کار ضرب گیر پشتیبانی ساز است نه پوشانیدن صدای آن.»

استاد محترم آقای کلنل علی نقی وزیر ی نقل میکردند: « حاجی خان» ضرب گیر یکی از نوازندگان ضرب بود و شهرت فراوانی داشت، ولی وقتی امروز تکنیک نوازندگی او را با نوازندگی حسین تهرانی مقایسه میکنم می بینم جداً این دو قابل قیاس با یکدیگر نیستند، الحق باید حسین را مبتکر یک سبک نوازندگی تازه، متنوع و مدرسه ای شناخت، دینامیکی که در نوازندگی حسین هست در هیچیک از نوازندگان گذشته من ندیدم، حالتها (نوانس) هائی که حسین بوسیله همین یک تکه پوست و چوب و به نیروی

۱ - آقای خالقی (درس ۴۰۸ سرگذشت موسیقی ایران ج اول) نوشته اند: «گویند در پیش خان او را مترنم ارکستر میگفته است و چون در ذوق و سلیقه آن استاد تردیدی نیست معلوم میشود حاجی خان به مقام هنرمندی رسیده است، بهر حال آنچه معروف است و همه اهل فن تصدیق دارند او را در زمان خود بهترین تصنیف خوان و ضرب گیر دانسته اند.»

انگستان توانا و مخصوصاً احساس و فهم ضرب‌شناسی خودش نشان میدهد، در روی تمبک کاملاً بی سابقه است... اصلاً همین ایجاد کردن یک ارکستر<sup>۱</sup> برای ضرب یکی از کارهای کاملاً نوظهور و بدیع این مرد است و باید در این زمینه او را تشویق کرد.»

نکته‌ای که در پایان این مبحث می‌باید بیفزایم اینست که: بر ما مجهول است که از چه تاریخی لفظ «ضرب» بجای «تنبک» بکار رفته است. در میان اشعار شاعران متقدم فقط به یک بیت از مولانا برخوردیم که لفظ «ضرب» بجای تمبک یا سازی شبیه بآن بکار رفته است. آن بیت این است:

خدایا مطربان را انگبین ده      برای ضرب دستی آهنین ده

دنباله دارد



ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ژرنال جامع علوم انسانی

۱ - آقای حسین تهرانی هنرآموز هنرستان عالی موسیقی ملی است و در این هنرستان به هنرجویان ضرب (تنبک) و وزن‌شناسی تعلیم میدهد. برای اولین بار در سال ۱۳۲۹ یک ارکستر ضرب از شاگردان خود ترتیب داد. تمبک‌هایی که در این ارکستر نواخته میشد ابعاد مختلفی داشتند و بهمین سبب مجتمعاً قادر بودند که نغمات ساده‌ای بنوازند. این اقدام نه تنها برای ایرانیها جالب بود بلکه در نظر خارجی‌ها نیز شگفت‌انگیز بنظر میرسید.